



نفسه‌گرمی؛ انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه از منظر کارشناسان و تحلیلگران سیاسی و بین‌المللی یک انتخابات تاریخی، هم در داخل این کشور و هم در اتحادیه اروپاست. آنچه بیش از همه به این انتخابات وجهی بی‌سابقه می‌بخشد، نتایج آن است. تغییر نگاه فرانسوی‌ها و رویکردانی آنان را از دو جریان اصلی در این کشور، نمی‌توان نادیده گرفت؛ چراکه اصلی‌ترین پیام این انتخابات،گذار شهروندان فرانسوی از احزاب سنتی است. آنچه در جریان دور نخست انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه رخ داده، نوعی انقلاب خاموش محسوب می‌شود. در دهه‌های گذشته، قدرت اجرایی و سیاسی در فرانسه همواره میان دو حزب «سوسیالیست» و راست میانه «جمهوری‌خواه»، در حال گردش بود؛ رؤسای‌جمهوری مانند «فرانسوا میتران»، «ژاک شیراک»، «نیکلا سارکوزی» و «فرانسوا اولاند» هرکدام به یکی از این دو جریان تعلق داشتند؛ اما اکنون «امانوئل ماکرون» به‌عنوان نامزدی مستقل در انتخابات ریاست‌جمهوری حاضر شده و

«مارین لوپن» نیز سکان هدایت جریان راست افراطی «جبهه ملی» را در این کشور بر عهده دارد؛ در این معادله، خبری از سوسیالیست‌ها و جمهوری‌خواهان نیست. از سوی دیگر، برای نخستین‌بار رئیس‌جمهوری کنونی این کشور پس از پایان دوره اول صدارتش، حاضر به حضور در رقابت‌ها نشد و همچنین برای نخستین‌بار از سال ۱۹۴۷، احزاب و طرفداران حفظ محیط زیست، نامزدی مستقل در انتخابات نداشتند. هرچند نتایج دور نخست انتخابات را از مدت‌ها پیش می‌توانست پیش‌بینی کرد؛ اما نتیجه انتخابات هفتم ماه می، می‌تواند هم برای فرانسه، هم برای اتحادیه اروپا و هم برای کل جهان شگفتی‌آفرین باشد. اگر در این انتخابات، امانوئل ماکرون جوان به پیروزی دست یابد، جریانِ به پیروزی رسیده است که عمری در حدود یک سال دارد. اگر «مارین لوپن» پیروز انتخابات شود، این نخستین‌بار در تاریخ جمهوری پنجم خواهد بود که حزب راست افراطی، قدرت را در این کشور به دست خواهد گرفت. این انتخابات نشان داد نیروهای سیاسی سنتی نیاز به بازسازی گسترده‌ای دارند و به احتمال فراوان، انتخابات پارلمانی آینده که در پیِ انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود، با پرسش‌ها، تردیدها و نتایج ابهام‌آمیزی روبه‌رو خواهد شد.

از ایس حیث، نمی‌توان نسبت به نتایج رقابت انتخاباتی اخیر در فرانسه بی‌تفاوت ماند. تحولات عمیق و زیربنایی که در جامعه فرانسه رخ داده، منجر به اقبال شهروندان فرانسوی نسبت به نامزدهای مستقل و حتی راست افراطی شده و همین مسئله، می‌تواند تعیین‌کننده آینده سیاسی پاریس برای ۱۰ سال آتی باشد. در چنین معادله‌ای اهمیت چندانی ندارد که ماکرون یا لوپن به کاخ الیزه راه پیدا کنند؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، تغییر هندسه و ساختار سیاسی موجود در پاریس است و بدون شک احزاب سنتی فرانسه برای بازگشت به معادلات سیاسی و اجرایی پاریس، کار بسیار سختی پیش‌رو خواهند داشت.

سحر سیاسی جوان ۳۹ ساله

اما ماکرون، ساحر ۳۹ساله عرصه سیاسی فرانسه که اکنون بیشترین شانس را برای پیروزی در برابر مارین لوپن دارد، کیست. امانوئل ماکرون، رهبر جنبش «در حرکت»، با کسب حدود ۱۳٫۵ درصد آرا در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، پیش‌تاز دیگر نامزدها شد و به دور دوم راه یافت. او تا سه سال پیش که به مقام وزارت برگزیده شد، برای فرانسویان چهره‌ای به‌کلی ناشنا بود. هنگامی که در آوریل سال گذشته، امانوئل ماکرون، وزیر وقت اقتصاد و صنایع فراانسه در دولت اولاند، در راه ایجاد جنبش «در حرکت» گام برداشت، کسی باور نداشت این حرکت به کاخ الیزه منتهی شود. بسیاری او را کارگزار رئیس‌جمهوری وقت تلقی می‌کردند که به سبب ناامیدی از حزب «سوسیالیست»، جریانی فراجربی بر بستر چپ میانه راه انداخته است تا نامزدی خود را برای دوره تازه‌ای از ریاست‌جمهوری بر پایه‌های گسترده‌تری بناند.

هنگامی که اندک‌اندک رزمه‌های ناخرسندی برخی از وزرا و به‌ویژه نخستین آنها، «مانوئل والس»، آغاز شد و کنایه‌های فرانسوا اولاند به وزیر جوان خود نیز آشکار و به کناره‌گیری او از دولت منجر شد، ناظران سیاسی فرانسه دریافتند امانوئل ماکرون چنان‌که فرانسویان می‌گویند، «برای خود می‌دود»؛ اما باز هم کسی امانوئل ماکرون را باور نداشت. او را که پیش از این در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده، شهردار و نماینده مجلس و سناتور نبوده و در واقع رایی به دست نیاورده و نمایندگی کسی را نداشته، «بادکنک» خوانده‌ند که با نخستین ضرب مبارزات انتخاباتی «خواهد ترکید». برخی ناظران ماکرون را لیبرالیسم و برخی دیگر او را یک سوسیال‌دموکرات توصیف کرده‌اند. او هنگام حضور در حزب سوسیالیست، (سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹) از جناح راست حزب حمایت می‌کرد که گرایش سیاسی‌شان با سیاست‌های «راه سوم» که «بیل کلینتون»، «تونی بلر» و «گرهارد شرودر» آن را به پیش می‌بردند، مرتبط بود.

تحصیل در مدرسه علوم سیاسی

ماکرون پس از اخذ فوق‌لیسانس فلسفه از دانشگاه «نانتز» در غرب پاریس، وارد مدرسه عالی علوم سیاسی پاریس شد و سپس به مدرسه عالی مدیریت دولتی رفت که بیشتر دولتمردان و کارگزاران برجسته این کشور را پرورده است. امانوئل ماکرون در پایان تحصیلات خود، وارد اداره کل بازرسی مالیاتی شد که در فرانسه پلکان ترقی به سوی مقامات عالیه دولتی است. باین‌حال چهار سال بعد خواستار مرخصی درازمدت شد و به استخدام بانک «روتشیلد» درآمد. اقدام و شغلی که بارها از سوی رقبای انتخاباتی او با ایراد و انتقاد مواجه شد. پس از آن بود که امانوئل ماکرون به معاونت دبیرکلی دفتر رئیس‌جمهوری برگزیده شد و تنها هنگامی که دو سال بعد به وزارت رسید، فرانسوی‌ها با چهره‌ای آشنا روبه‌رو شدند. امانوئل ماکرون زاده پدر و مادری پزشک است. پدر او، «ژان میشل ماکرون»، متخصص اعصاب و استاد همین رشته در دانشکده پزشکی است. او هرچند در دوران مبارزات انتخاباتی درباره گرایش سیاسی خود سخنان گوناگونی بر زبان آورد و گاه به داشتن پایگاه خانوادگی چپ‌باید و زمانی از دست چپ

نگاهی به سیاست‌ها و استراتژی‌های «امانوئل ماکرون»

چهره جنجالی انتخابات فرانسه

ساحر ۳۹ساله فرانسوی

نالید؛ اما پیش از آن همواره به پرورش در دامن مادربزرگ مادری خود که افکاری چپ داشت، افتخار کرده بود. ماکرون ۱۰ سال پیش در شهر «توکه» با همسر کنونی خود «برنیزت ترونپو» که ۲۴ سال از خود او بزرگ‌تر است، ازدواج کرد. بسیاری در دوران مبارزات انتخاباتی کوشش کردند با اشارات کم‌وبیش روشن و پنهان به این پیوند، او را مورد انتقاد قرار دهند. امانوئل ماکرون با شعار فرانسه باید برای همه فرصت موفقیت باشد» به میدان مبارزات انتخاباتی قدم گذاشت و برنامه ریاست‌جمهوری خود را «طرحی برای ساختن فرانسه‌ای جدید» اعلام کرد. او خواستار «مدرنیزه‌کردن» اقتصاد، آزادکردن بازار کار، سرمایه‌گذاری گسترده، توجه ویژه به آموزش و فرهنگ و نیز تحکیم اتحادیه اروپاست.

هفته‌نامه «فارن پالسی»، ماکرون را سیاست‌مدار انگلیسی‌زبان معرفی می‌کند و می‌نویسد: «برنامه اقتصادی ماکرون -با رویکرد به شدت لیبرال- به آرمان‌های آمریکا نزدیک است و از گفت‌وگوهای کلاسیک فرانسوی فاصله دارد». روزنامه «فایننشال‌تایمز» نیز ماکرون را نامزد نوگرا می‌نامد و به نظر می‌رسد پافشاری ماکرون بر اصول بازار مشترک، پول واحد و اعتماد راسخ به اروپا به مذاق این روزنامه خوش آمده است. فایننشال‌تایمز در مقاله دیگری انتخاب ماکرون را سدی در برابر موج پوپولیستی در اروپا می‌داند. «وال‌استریت‌ژورنال» نیز رویکرد ماکرون را درباره ۳۵ ساعت کاری در هفته می‌ستاید و می‌نویسد: «ماکرون با حمله به دیدگاه‌های سنتی جامعه فرانسوی مورد توجه آمریکا قرار گرفته است». درهمین‌حال، فارن پالسی در ادامه ماکرون را با «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، مقایسه می‌کند و او را زمینه‌ساز تغییر در فرانسه می‌نامد. وقتی نوبت به سیاست‌های دفاعی اتحادیه اروپا می‌رسد، ماکرون متقاضی استقلال راهبردی اروپاست و در این راستا از طریق تقویت و تحکیم توافقات دفاعی دوجانبه و نیز اشکال دیگر همکاری‌های دفاعی با سایر کشورهای عضو و متقاضی به تحقق راهبرد مذکور اتمام می‌ورزد. پیشنهادات او دربرگیرنده تأسیس مقرهای دائمی اروپایی (مثلا با هماهنگی ناتو و ستادهای فرماندهی آن)، تشکیل شورای امنیت اروپا و نیز ایجاد صندوق دفاعی اروپا با هدف تأمین اعتبار برنامه‌ها و تحقیقات نظامی مشترک است. او همچنین دارای ایده‌هایی درباره پویاسازی گردان‌های رزمی اتحادیه اروپاست؛ اما این امر به هیچ عنوان به مفهوم تلاش برای ایجاد ارتش اروپایی نیست.



ماکرون پس از پیروزی در این انتخابات، راه دشواری پیش‌رو دارد؛ او باید با جمع‌کردن آرای سرگردان در انتخابات پارلمانی، قدرت واقعی را به دست بگیرد که مهم‌ترین مانع بر سر راه او، جنبش سیاسی است که حدوداً یک سال عمر دارد. این جوان ۳۹ساله فرانسوی قول داده که ۵۷۷ حوزه انتخاباتی را با نامزدهای جدیدی پر کند که حداقل نیمی از آنها نیروهایی تازه‌سیاسی هستند

بدهی به روسیه ندارم

اما خلاف نزدیکی رقییش به روسیه و شخص «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری این کشور، ماکرون سعی می‌کند تا جایی که می‌تواند از مسکو فاصله بگیرد. او می‌گوید بقیه بدهی به روسیه ندارد و رئیس‌جمهوری این کشور را به پذیرش معیارهایش وخواهد داشت چراکه از توانایی جلب احترام پوتین برخوردار است. ماکرون در یکی از مصاحبه‌های خود پیش از دور اول انتخابات گفت، «به پوتین خیلی قاطع و محکم می‌گویم که آماده احیای مذاکره برای حل بحران‌هایی که روسیه در آنها دخیل است (سوریه و اوکراین) هستم و بدون خصومت‌ورزی و درعین‌حال واکاژدی هیچ‌گونه امتیازی، در دفاع از ارزش‌های فرانسه هوشیار خواهم بود». روسیه نیز بلافاصله به این اعلام نتایج دور اول انتخابات اعلام کرد که مسکو به آرای مردم فرانسه احترام می‌گذارد. «دیمیتری پسکوف»، سخنگوی رئیس‌جمهوری روسیه تأکید کرد ما خواهان برخورداری از یک رابطه معقول و مناسب دوجانبه با فرانسه هستیم و به همین منظور رئیس‌جمهوری منتخب این کشور برای ما قابل احترام است.

مخالف استعمار فرانسه

ماکرون به طرز مجادله‌برانگیزی استعمار فرانسه بر الجزایر را به‌عنوان «جنایت علیه بشریت» محکوم کرد. او گفت این بخشی از گذشته‌ای است که باید بابت آن از کسانی که ما این اعمال را علیه‌شان انجام دادیم عذر بخواهیم؛ هرچند این مخالفت باعث پایین‌رفتن ماکرون در نظرسنجی‌ها شد. سیاست‌های خارجی این نامزد مستقل که تنها چند گام تا کاخ الیزه فاصله دارد، در موارد دیگر نیز از رقبیش بسیار متفاوت است. او را ادامه‌یافتن سیاست‌های رئیس‌جمهور اولاند در قبال اسرائیل حمایت می‌کند، با جنبش پاپوکو، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم اسرائیل مخالف است و از بیان موضع در قبال دولت فلسطین خودداری کرده است. خلاف مارین لوپن که گفته است همه افراد دارای دو ملیت فرانسه-اسرائیلی باید یکی از این دو ملیت را انتخاب کنند، ماکرون اما در سفر رسمی‌اش به اسرائیل در سپتامبر ۲۰۱۵ اعلام کرد زندگی در اسرائیل به معنای قطع ارتباط با زادگاه شهروندان یهودی فرانسه نیست.

همچنین خلاف بسیاری از سیاست‌مداران از جمله نخست‌وزیر سابق امانوئل والس، ماکرون از سیاست دیرای باز در قبال مهاجران و پانهندگان همانند آنچه «انگلا مرکل» در آلمان پی گرفته، حمایت می‌کند. ماکرون همانند دولت کنونی، بارهز به داعش را یکی از اولویت‌های فرانسه می‌داند. در این مورد، او اعتقاد دارد به هر اندازه که امنیت دولت‌ها به مخاطره انداخته شود به همان اندازه داعش و سایر نیروهای افراطی رشد می‌کنند. درباره سوریه او معتقد است که اگرچه نباید از «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه حمایت و او مدارا کرد، نباید برای مذاکرات ملحق هم پیش‌شرط کناره‌گیری اسد را مطرح کرد.

روزنه

۴ سیمای مختلف فرانسه

نتایج انتخابات دور نخست ریاست‌جمهوری فرانسه از نقطه‌نظر جامعه‌شناسی انتخابات واقعیت‌های تازه و بی‌سابقه‌ای را در فضای اجتماعی- سیاسی فرانسه آشکار کرده است. «ژرم جفیره»، مدیر مرکز تحقیقات و شناخت افکار عمومی فرانسه، این کشور را چهارپاره‌شده می‌بیند و «چهار فرانسه» با کرایش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت را در مرزهای جغرافیایی طبیعی ترسیم می‌کند. درهمین‌حال، به نظر «پاتریک روزه»، دیگر کارشناس فرانسوی، اکنون دو فرانسه وجود دارد که در این انتخابات مقابل هم ایستاده‌اند. فرانسه‌ای که در آن رونق اقتصادی و اشتغال رو به کاستی دارد و بیش از پیش به حاشیه رانده شده، در برابر فرانسه‌ای قرار دارد که در مسیر پیشرفت‌های اقتصادی و تکنولوژی روزافزون است. او می‌گوید با نگاهی جامعه‌شناسانه به نقشه فرانسه و مناطق رأی‌گیری در این انتخابات، درخواستیم یافت که دو فرانسه با درجه رشد اقتصادی و اجتماعی متفاوت در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. در یک سو، مناطق روستایی و شهرهای کوچک فرانسه قرار دارند که بیشتر آرای نسی را به «مارین لوپن»، نامزد احزاب راست افراطی، داده‌اند. در برابر آنها، بخشی دیگری از مردم فرانسه قرار دارند که در کلان‌شهرها و مناطق عمده فعالیت‌های اقتصادی متمرکز شده‌اند. آنان بیشترین آرای خود را به‌نفع «امانوئل ماکرون»، نامزد مستقل، در صندوق‌های رأی ریخته‌اند. ژرم جفیره، چهارپاره فرانسه با چهار فرانسه را در چارچوب جامعه‌شناسی انتخابات این‌گونه تحلیل می‌کند؛ او می‌گوید که در فرانسه اول، فرانسویانی قرار دارند که در مناطق شهری زندگی می‌کنند. آنان از طبقات مرفه جامعه بوده، جوان هستند و دارای تحصیلات عالی‌اند. بیشترین تعداد آنان به امانوئل ماکرون رأی داده‌اند. در فرانسه دوم، فرانسویانی قرار دارند که دارای تحصیلات عالی بوده و زندگی مرفهی دارند و تعداد بسیار زیادی از آنان بازنشسته هستند. آنان بیشترین آرای خود را به‌نفع فرانسوا فیون در صندوق‌ها ریخته‌اند.

فرانسه سوم، شامل فرانسویانی که در حومه شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. آنان جوان بوده و به طبقات مردمی جامعه فرانسه تعلق دارند. آنان بیشتر به‌نفع «ژان-لوک ملانشون»، به‌سوی صندوق‌های رأی‌گیری رفته‌اند. و بالاخره، چهارمین بخش فرانسه که شامل فرانسویانی هستند که به طبقات بسیار مردمی تعلق داشته و در مناطق روستایی و شهرهای بسیار کوچک زندگی می‌کنند، از خانم مارین لوپن در این انتخابات حمایت کرده‌اند. پاتریک روزه نیز با بررسی نقشه مناطقی از فرانسه که از امانوئل ماکرون و مارین لوپن حمایت کرده‌اند، دو فرانسه را ترسیم می‌کند که در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. به باور او، بیشترین رأی‌دهندگان ماکرون در شهرهای بزرگ متمرکز هستند. او مثال پاریس را می‌آورد. در پایتخت فرانسه، امانوئل ماکرون ۳۴٫۸۳ درصد کل آرای پاریس را در دور نخست انتخابات کسب کرد. این در حالی است که آرای مارین لوپن در پاریس کمتر از پنج درصد و دقیقاً ۴٫۹۹ درصد کل آرا بوده است. برخلاف ماکرون، مناطق روستایی و شهرهای کوچک بیشترین آرا را به لوپن در انتخابات اخیر داده‌اند. در این مناطق امانوئل ماکرون کمترین سطح آرا را داشته است.

منبع:رادویوبین‌المللی فرانسه



یادداشت

پیروزی سناریوی جناح راست حزب سوسیالیست



اردشیر زارعی‌فرداوستی

دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه با رسیدن «امانوئل ماکرون» و «مارین لوپن» به دور دوم در حالی پایان یافت که کاندیدای دو حزب اصلی برای اولین بار در تاریخ جمهوری پنجم از صعود به مرحله بعد بازماندند. در این دور از انتخابات کاندیدای ائتلاف چپ «ژاک لوک ملانشون» نیز به‌عنوان پدیده این دوره از انتخابات با کسب بیش از ۱۹ درصد رقابت تنگتنگی را برای رسیدن به مرحله دوم داشت که بنا بر دلایلی ناگام ماند.

جناح راست حزب سوسیالیست اولاند-والس که از کاهش اعتبار و شکست قطعی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری این دوره مطمئن بودند، از یک سال پیش با سرمایه‌گذاری روی امانوئل ماکرون، وزیر اقتصاد دولت خود به‌عنوان یک کاندیدای مستقل، جایگاهی را شکل دادند که بخشی از آرای اپوزیسیون را در سبد رأی کاندیدایی تضمین کنندد که هم از طیف آنان بود و هم بسیاری می‌پنداشتند او نماینده مستقلی است که خواهان تغییرات بزرگ است.

پیروزی ماکرون در دور اول حاصل همین بازی زیرکانه جناح راست حزب سوسیالیست بود و هم‌اکنون تقریباً مشخص شده است پیروزی «بنوا آمون» در رقابت‌های مقدماتی درون حزبی هم تابع همین بازی رقم خورده است. دلیل این موضوع هم در حمایت تقریب تمام الیگارش‌ی حزب سوسیالیست از جمله اولاند و والس از ماکرون در همان دور اول بود که با نقض اصول تشکیلاتی و پرنسپ‌های حزبی بنوا آمون را ترک کردند و به اردوی او پیوستند.

شاید گفته شود پیروزی بنوا آمون در رقابت‌های درون‌حزبی طبق معیارهای مرسوم رقم خورده است و هیچ طراحی از پیش تعیین‌شده در این بازی دخیل نبوده است. اما هم‌اکنون که هیجان‌ها به‌لطمه‌های اولیه فرونشسته است با رجوع به شواهد موجود مشخص می‌شود که از همان ابتدا گویا قرار نبود جناح راست و اصلی حزب سوسیالیست با کاندیدای مشخص در دور اول شرکت کند.

در رقابت‌های درون‌حزبی در مرحله اول روز ۲۲ ژانویه بین هفت نامزد سوسیالیست انجام شد که همگی به غیر از بنوا آمون در جناح راست و میانه حزب بودند که در پایان رأی‌گیری والس و آمون بیشتر از دیگران موفق به کسب رأی شدند و مطابق ضوابط حزبی به دور دوم راه یافتند. نکته جالب دراین‌میان رأی جمعی جناح راست و میانه حامی وضع موجود بود که نزدیک به دوسوم آرای ریخته‌شده به صندوق را شامل می‌شد. اما در دور دوم اتفاق افتاد که شاید برای بسیاری غافلگیرکننده بود ولی امروز با توجه به کوچ بسیاری از سوسیالیست‌ها به اردوی ماکرون در همان زمان نشانه‌های یک «خط موازی» بین الیگارش‌ی حزب سوسیالیست و کمپین ماکرون را می‌توان مشاهده کرد.

حقیقت همیشه همان چیزی نیست که در عالم واقع به نظر می‌آید و این موضوع در حوزه سیاست از اهمیت بیشتری برخوردار است. حالا اگر به صحنه انتخابات دور اول فرانسه نگاه کنیم دو وجه از حقیقت نشان داده می‌شود که در تغییر در نحوه بازی حزب سوسیالیست تمام قاعده بازی و نتیجه کنونی را بدون شک دگرگون می‌کرد. در حالت اول اگر طبق پیش‌بینی‌ها و تصمیم جمعی ارکان حزبی در تجمع آرای جناح راست درون حزب، امانوئل والس به‌عنوان کاندیدای صندوق‌ها ریخته‌اند.

فرانسه سوم، شامل فرانسویانی است که در حومه شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. آنان جوان بوده و به طبقات مردمی جامعه فرانسه تعلق دارند. آنان بیشتر به‌نفع «ژان-لوک ملانشون»، به‌سوی صندوق‌های رأی‌گیری رفته‌اند. و بالاخره، چهارمین بخش فرانسه که شامل فرانسویانی هستند که به طبقات بسیار مردمی تعلق داشته و در مناطق روستایی و شهرهای بسیار کوچک زندگی می‌کنند، از خانم مارین لوپن در این انتخابات حمایت کرده‌اند. پاتریک روزه نیز با بررسی نقشه مناطقی از فرانسه که از امانوئل ماکرون و مارین لوپن حمایت کرده‌اند، دو فرانسه را ترسیم می‌کند که در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. به باور او، بیشترین رأی‌دهندگان ماکرون در شهرهای بزرگ متمرکز هستند. او مثال پاریس را می‌آورد. در پایتخت فرانسه، امانوئل ماکرون ۳۴٫۸۳ درصد کل آرای پاریس را در دور نخست انتخابات کسب کرد. این در حالی است که آرای مارین لوپن در پاریس کمتر از پنج درصد و دقیقاً ۴٫۹۹ درصد کل آرا بوده است. برخلاف ماکرون، مناطق روستایی و شهرهای کوچک بیشترین آرا را به لوپن در انتخابات اخیر داده‌اند. در این مناطق امانوئل ماکرون کمترین سطح آرا را داشته است.

این سیستم ترک‌خورده جمهوری پنجم دوباره می‌خواهد سناریوی سه دوره قبیل را تکرار کند که در دوقطبی «ژان ماری لوپن» پدر با «ژاک شیراک» حامی نظم موجود همه احزاب و مردم را پشت‌سر شیراک به‌صفت کرد. اختلاف آرای شیراک با ۸۲ درصد در مقابل آرای ۱۸ درصدی ژان ماری لوپن در آن دوره جراز سبزه و چک سفیدی بود که به نئولیبرالیسم فرانسوی داده شد که امروز نتایج مخرب آن را می‌توان مشاهده کرد. در وضعیت کنونی که هر دو کاندیدای دور دوم «تجسم فاجعه» در قالب تثبیت وضع موجود حتی در قالب راست‌گراتر از دولت اولاند و همچنین راست افراطی است، این نظر ژاک لوک ملانشون مبتنی بر عدم حمایت از این دو کاندیدا بهترین واکنش و موضع‌گیری بوده است.

فرانسه برعکس آمریکا دارای یک تاریخ غنی سیاسی و میراث‌دار «انقلاب کبیر» و جنبش «کمون پاریس» است و هیچ نیرویی از جمله مارین لوپن قادر نخواهد بود نوعی از «ترامپسیسم» آمریکایی را در این کشور پیاده کند. به همین دلیل ناظران‌بان از وضع موجود می‌توانند ضمن پشت‌کردن به هر دو کاندیدای نامطلوب فعلی یک مبارزه مدنی منفی را برای هشتاد و اصلاح سیستم موجود مدنظر قرار دهند. عدم استقبال رأی‌دهندگان در دور دوم برای رفتن بسای صندوق رأی برای انتخاب بین «بد» و «بدتر» و همچنین نزدیکی آرای این دو کاندید، یک پیروزی برای منتقدان و مخالفان وضع موجود خواهد بود که در آینده به دلیل درپیش‌بودن انتخابات پارلمانی فرانسه در ماه ژوئن می‌تواند بسیاری از سیاست و برنامه‌های نئولیبرالیستی و راست را مورد تهدید جدی قرار دهد.